

دوفصلنامه علمی کاشان‌شناسی، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

دوره ۱۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۳)، صفحات: ۹۸-۷۱

مقاله علمی پژوهشی

بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کاشان)

سعید قماش^{*}

نسرين قدمي^{**}

چکیده

جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی که در محیط اجتماع روی می‌دهد، حالت بالفعل رفتار است. با این وصف، «گرایش به جرم» حالت بالقوه رفتار است که به منصف ظهور نرسیده و فعلیت نیافته است. این تلاش فکری با هدف بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان، درصدد است نشان دهد که جوانان تحت تأثیر کدام یک از عوامل اجتماعی، گرایش به ارتکاب جرم دارند. این تحقیق از منظر روشی، در زمره پارادایم اثبات‌گرایی، مبتنی بر استراتژی قیاسی و چشم‌انداز کمی قرار گرفته که از روش توصیفی-همبستگی با رویکرد زمانی مقطعی و با هدف کاربردی بهره برده و به طور ویژه از روش تحقیق پیمایشی نیز استفاده نموده است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه کاشان با حجم نمونه ۵۲۰ نفر در سال ۱۴۰۱ بودند. به منظور گردآوری داده‌های تجربی پژوهش، از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. همچنین، در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 بهره گرفته شده است. در مجموع، یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوط به آن، وجود رابطه و همبستگی معنادار بین متغیرها را مورد تأیید قرار داده است. این رابطه به صورت منفی و معکوس بین هریک از متغیرهای تفاهم اجتماعی دولت-ملت، امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، پایداری به قانون، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی و اعتماد نهادی با گرایش به ارتکاب جرم به ترتیب برابر با $r = -0.162^{***}$ ، $r = -0.436^{***}$ ، $r = -0.220^{***}$ ، $r = -0.487^{***}$ و $r = -0.006^{***}$ نشان داده شده است. بر این اساس، اهتمام به مؤلفه‌های ذکر شده می‌تواند گرایش به جرم را در بین جوانان کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: جوانان، جرم، عوامل اجتماعی، گرایش به ارتکاب جرم.

* دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران، (نویسنده مسئول) /

saeedqomashi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران /

nasringhadami3525@gmail.com



۱. مقدمه

جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی که در محیط اجتماع روی می دهد، حالت بالفعل رفتار است. با این وصف، «گرایش به جرم» حالت بالقوه رفتار است که به منصف ظهور نرسیده و فعلیت نیافته است. این تلاش فکری درصدد است نشان دهد که جوانان تحت تأثیر کدام یک از عوامل اجتماعی، به ارتکاب جرم گرایش دارند. برای رسیدن به این موضوع باید از سطح توصیف فراتر رفته و درگیر تحلیل های مفهومی شد تا بتوان پاسخ های ممکن را صورت بندی نمود.

بر این اساس، «گرایش» به عنوان نظامی از تمایلات و باورهای یک فرد درباره پدیده های محیط خود که در طول زمان و در پی تأثیرات و تجربیات اجتماعی شکل می گیرد، تعریف می شود. پژوهشگرانی همچون تاماس و زانانکی^۱ از این مفهوم برای پیش بینی و تبیین رفتار اجتماعی استفاده می کنند (حسین زاده و همکاران، ۱۴۰۰ الف: ۲۶). یکی از این رفتارهای اجتماعی، ارتکاب جرم توسط افراد با سنین مختلف است. با توجه به اینکه وقوع رفتار مجرمانه نیز مانند هر رفتار دیگری، نیازمند میل و گرایشی به سوی آن است، در این پژوهش به فراخور موضوع، به بررسی جرم و گرایش به آن در بین «جوانان» پرداخته شده است.

گفتنی است که جوانان، آینده روشن هر جامعه اند. نسل جوان در تلاش برای درک ارزش های اجتماعی، اتخاذ استانداردهای زندگی و... با بسیاری از تناقضات و اختلال مواجه اند که انحراف، بزهکاری و رفتار مجرمانه، تجلی این چالش هاست (حسین زاده و همکاران، ۱۴۰۰ ب: ۱۱). گرایش جوانان به جرم که منجر به طیفی از رفتارهای مجرمانه از تخلفات جزئی تا جرائم شدید می شود، افزون بر ناامنی جامعه، به طور قابل توجهی نوعی بدبینی و نگرانی نسبت به آینده را نیز به دنبال خواهد داشت (Ferrel, 2024: 406) و این یکی از بحث های عمومی در چند سال اخیر بوده است (Zareen et al., 2018: 301). با این وصف، این پدیده فرصت شکوفایی استعدادها را می گیرد و سرنوشتی نامطلوب را پیش روی جامعه قرار می دهد (سامدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۴) و «حدوث چنین فرایندی در بلندمدت به عادی شدن نظاره گری رقم بالای بزهکاری و انحراف در جامعه منتهی خواهد شد و خود این موضوع از عوامل کاسته شدن از حساسیت شهروندان نسبت به رفتارهای خلاف قانون و انحراف بوده و حتی به افزایش آستانه تحمل عمومی در پذیرش واقعیت انبوهی از جرائم دامن خواهد زد» (کونانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲). از این رو، نگاه به زمینه های آسیب پذیری نظم اجتماعی و آمارهای قضایی رسمی، مسئله را به نحوی نشان می دهد که در این رابطه باید اقدامی جدی صورت گیرد (عارفی مسکونی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۴۴).



مطابق با این موضوع، این نوشتار به دنبال پاسخ به این سؤال کلی است که عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان کدام‌اند. بر این مبنا، هدف اساسی این مطالعه بررسی رابطه بین تفاهم اجتماعی دولت - ملت، امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، پایبندی به قانون، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب به جرم در بین دانشجویان است.

۲. مبانی نظری

عوامل بزهکاری و علل گرایش به آن هر ساله بارها ذکر می‌شود و این موضوع همچنان، مسئله تازه تحقیقات و توسعه نظری جدید در این زمینه است (Costello & Laub, 2020: 21). در بررسی نقش عوامل اجتماعی در ایجاد گرایش به ارتکاب جرم، توجه و تمرکز به مواردی مانند فقدان پیوندهای اجتماعی، انومی، تضعیف اعتماد نهادی، کاهش امنیت و انسجام اجتماعی و... ضروری است. برای به دست آوردن مبنای علمی این پژوهش می‌باید به نظریه‌های مرتبط مراجعه شود و با مبنا قرار دادن هریک از این نظریه‌ها درک خاصی از علل ارتکاب جرم ارائه شود. آنچه در این قسمت از پژوهش مورد نظر است، آشنایی با آموزه‌ها و مبانی اصلی این نظریه‌ها و نقش آن‌ها در تبیین علت‌شناسی جرم است. بر همین اساس، نظریه‌های زیر به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل این پژوهش در نظر آمده است. دلیل این پارادایم، منطبق بودن سطح نظریه با سطح پژوهش و موضوع مورد بررسی است و همچنین اینکه از چارچوب این تحلیل، سؤال‌های پژوهش استنباط شده است. نظریه‌های مورد بررسی در این پژوهش عبارت‌اند از: نظریه تفهیمی، نظریه تعلق اجتماعی، نظریه فردگرایی، نظریه فشار مرتن، نظریه دموکراسی اجتماعی، نظریه نیازهای اساسی، نظریه صلح‌طلبی و نظریه اثربخشی سیاسی.

وبر^۲ براساس نظریه تفهیمی خود، در مورد فهم کنش انسانی معتقد است که باید به فهم آن نوع معانی پرداخت که در پس ذهن افراد وجود دارد. از این رو، می‌توان گفت کنش انسانی در جهت معنایی سیر می‌کند و برای درک آن کنش، فهم این معنا ضروری است (فقیه، ۱۳۸۸: ۹۴). از سویی دیگر، فهمیدن دیگران نه به‌معنای معذور داشتن دیگران است و نه اینکه در اصل، صرف فهمیدن دیدگاه دیگران به تأیید آن منجر می‌شود، بلکه می‌توان بدین وسیله با سهولت و احتمال بیشتری به آگاهی از موضوعات و دلایل بازدارنده توافق و تفاهم نائل شد (وبر، ۱۳۸۲: ۳۷). با این وصف، سؤالی که در این فرصت مطرح می‌گردد، این است که چگونه کنش معنادار اجتماعی درک می‌شود؟ وبر در اینجا از تفهیم یا فهم همدلانه صحبت می‌کند که به‌معنای نوعی احساس یگانگی

عاطفی فرد با کنشگری است که درصدد فهم آن است (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۰۱). بدین ترتیب، منظور از این روش، تلاش مشاهده‌گر برای درک کنش اجتماعی از رهگذر پیوندی همدلانه با کنشگر است. روند کار بدین صورت است که مشاهده‌گر سعی می‌کند خود را با کنشگر و انگیزه‌های او یکی کند و سیر رفتار را از دید کنشگر نظاره کند، نه از دید خویش. با این روش است که می‌توان خود را جای دیگری قرار داد (وبر، ۱۳۸۲: ۳۷). یعنی لازم است که «خویش را به‌جای عامل یا عاملان در تاریخ یا جامعه گذاشت و به این وسیله، عمل تاریخی یا اجتماعی را از درون احساس کرد» (هیوز، ۱۳۶۹: ۲۷۶). درحقیقت، وبر معتقد است که در ایجاد همدلی باید خود را به دنیای مفهومی فرد مقابل نزدیک کرد، به‌طوری‌که باید یک نوع تسلط بر تجربه داشت تا آن را درک کرد، ولی به‌طور حتم لازم نیست که آن کار انجام شود. بر همین مبنا، وبر در کتاب *اقتصاد و جامعه* می‌گوید: «برای درک یک سزار^۳ حتماً لازم نیست یک سزار باشید؛ با وجود این، اگر بتوان خود را به‌صورت ذهنی، به‌جای شخص دیگر قرار داد و به‌طور همدلانه در تجربه او شرکت کرد، اطمینان بیشتری از تفسیر معنای کنش حاصل خواهد شد.» (Grabb, 2022: 5) در این پژوهش متغیر تفاهم اجتماعی دولت - ملت براساس این نظریه تبیین می‌شود.

براساس نظریه تعلق اجتماعی نیز، حس تعلق به اجتماع، از عوامل بازدارنده از جرم است. در واقع این نظریه بیان می‌کند که رفتار یک فرد با جامعه پیوند خورده و میزان احساس پیوند یا تعهد به جامعه تعیین‌کننده انحراف آن‌ها از هنجارهای متعارف اجتماعی است. «هیرشی فرد منحرف را به‌عنوان کسی نگاه می‌کند که دارای منافع شخصی است و برای به دست آوردن هرچه بیشتر سود از هر راهی هرچند نادرست عمل می‌کند. در اینجا، جامعه به‌عنوان نوعی مانع در مورد آن رفتار نادرست عمل می‌کند و اگر این مانع سست شود، رفتار "خودمنفعتی" ظاهر می‌گردد» (فرانک پی و مارلی دین، ۱۳۹۱: ۲۱۱؛ Cullen & Wilcox, 2010: 458). وی برای پیوند فرد با جامعه چهار بُعد دلبستگی،^۴ تعهد،^۵ مشارکت^۶ و اعتقاد^۷ را در نظر گرفته است (Wiatrowski, 1981: 525; Özbay & Özcan, 2006: 713; Crawford, 2014: 525). در این پژوهش، متغیر تعلق اجتماعی براساس این نظریه تبیین می‌شود.

براساس دیدگاه نظریه‌پردازان فردگرایی، اگر فردگرایی از نوع افراطی باشد، منشائی برای آنومی سیاسی و عدم اعتماد به نهادهای حکومتی می‌گردد؛ زیرا این امر موجب تضعیف التزام افراد و سرپیچی آن‌ها در مقابل هنجارهای سیاسی- اجتماعی می‌شود. در این پژوهش، متغیر اعتماد نهادی براساس این نظریه تبیین می‌شود.



مطابق با دیدگاه نظریه پردازان فشار نیز، ساختار اجتماعی در ایجاد انحراف مشارکت دارد. بدین نحو که ساختار اجتماعی، آرزوهای متعارفی را در جامعه شکل می دهد و در همان حال، شیوه های مقبول دستیابی بدان را نیز محدود می سازد؛ و بدین ترتیب بین اهداف و ابزار تضاد به وجود می آید و فشاری بر افراد وارد می شود. بر همین مبنا، مرتون استدلال می کند که در صورت انطباق اهداف و ابزار، هم نوایی و تبعیت از حکومت و قانون شکل می گیرد؛ در غیر این صورت ناهم نوایی و قانونگریزی به وجود می آید. در این پژوهش، متغیر پابندی به قانون براساس این نظریه تبیین می شود.

نظریه دیگری که به جرم و علل آن پرداخته، نظریه دموکراسی اجتماعی است. دموکراسی اجتماعی آن نوع دموکراسی است که بر توزیع ثروت و تأمین رفاه اجتماعی در جامعه به وسیله دولت تأکید دارد (عباسی و یوسفی ثابت، ۱۳۹۸: ۶۶). به طور کلی، توجه به نقش نهادهای عمومی در خلق انسجام اجتماعی منجر به شکل گیری نظریه ای شده است که نظم و انسجام اجتماعی را نتیجه دولت کارآمد و باز توزیع مناسب درآمد در یک اقتصاد با بهره وری و عملکرد مناسب همراه با نهادهای عمومی دموکراتیک می داند. در این دیدگاه، قابلیت جامعه برای انسجام و هماهنگی، به شدت تحت تأثیر نهادهای دولتی و سیاست های آنهاست (متوسلی و زییری، ۱۳۹۳: ۶۸). در این پژوهش، متغیر انسجام اجتماعی براساس این نظریه تبیین می شود.

همچنین، براساس نظریه نیازهای اساسی، نیازهای انسان و منابع ارضای آن، از جمله علت اساسی جهت دهی به رفتار و کنترل آن به حساب می آید. مطابق با این نظریه، هنگامی که فرد در موقعیت گزینش یک نیاز از میان چند نوع نیاز متفاوت قرار می گیرد، به طور غالب، برآوردن نیاز اساسی تر یا فروتر را برمی گزیند. آبراهام مازلو در کتاب انگیزش و شخصیت، پنج نوع از نیازهای انسان را اساسی دانسته و بر این عقیده است که تا این نیازها ارضا نشود، نیازهای متعالی و ضرورت تأمین آنها اصولاً برای افراد مطرح نخواهد شد (Anjanaen, 2019: 38؛ سلیمی و داوری، ۱۳۹۱: ۳۱۶). یکی از این نیازها نیاز به امنیت است که در این پژوهش متغیر امنیت اجتماعی براساس آن تبیین می شود.

بر طبق آموزه های نظریه اثربخشی سیاسی، اثربخشی سیاسی به عنوان پیش شرط مشارکت سیاسی و به عنوان یک ویژگی اجتماعی حیاتی در جوامع دموکراتیک در نظر گرفته می شود و از مهم ترین نگرش های سیاسی برای بررسی درک پویایی ارتباطات سیاسی به حساب می آید. هرچه اثربخشی سیاسی در اذهان شهروندان از سطح بالاتری برخوردار باشد، این امر برای ثبات

دموکراسی مطلوب تلقی می‌شود؛ زیرا در جامعه دموکراتیک مدرن، شهروندان باید احساس کنند که از طریق کنش سیاسی خود تا حدی قدرت دارند و بر اقدامات دولت خود تأثیر می‌گذارند. در این پژوهش، متغیر مشارکت سیاسی براساس این نظریه تبیین می‌شود.

۳. پیشینه پژوهش

فرل و همکارانش در سال ۲۰۲۴، تحقیقی با عنوان «گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان با خانواده‌های ازهم‌گسیخته» در شهر داونو اوریتال فیلیپین^۸ انجام داده و عوامل رفتاری، شناختی و اجتماعی را در این گرایش بررسی کرده‌اند. یافته‌های آن‌ها گرایش بزهکارانه زیادی را در زمینه‌های رفتاری، شناختی و اجتماعی نشان می‌دهد. نگاهی و قریشوندی (۱۳۹۹) در مطالعه خود با هدف «بررسی گرایش به ارتکاب جرم در مراجعه‌کنندگان به کلین‌سراها و قهوه‌خانه‌ها» به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل محیطی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این اماکن ازجمله حضور مداوم جوانان فاقد اشتغال و درآمد و رها از قیود خانوادگی به همراه شاخص‌هایی همچون مشاهده و یادگیری جرائم ارتكابی بر گرایش به رفتار مجرمانه اثرگذار است. یحوی دیزج و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش دیگری با عنوان «رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب» شاخص‌های مربوط به محیط اجتماعی ازجمله تعامل اجتماعی، سطح سلامت عمومی، اعتماد عمومی، کیفیت نهادها را در گرایش به جرم و میزان وقوع آن مؤثر می‌دانند. ترکمان و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود دریافتند که میزان پول موجود نزد جوانان از عوامل مؤثر در گرایش به سوء مصرف مواد مخدر است. حجرگشت و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود، ناهنجاری خانوادگی، فقر، تبعیض و نابرابری در اعمال قانون، و بحران جنگ را عوامل اجتماعی جرم‌زا معرفی کرده‌اند. همچنین، نتایج مطالعات هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) نیز گویای آن بود که ارضای نیازها منجر به رضایتمندی بالاتر گردیده و عدم دستیابی به نیازها زیستی، امنیتی، خودشکوفایی و... شرایط را برای وقوع ناهنجاری‌های و افزایش میل به جرم فراهم می‌سازد. قایدگیوی و همکاران (۱۳۹۷) طی تحلیل تعامل هویت ملی و پابندی به فرهنگ شهروندی نشان داده‌اند که هویت ملی و ابعاد آن نقش مؤثری در افزایش پابندی به فرهنگ شهروندی که مبتنی بر پیروی از قانون و رفتارهای مدنی و عدم گرایش به جرم و نقض قوانین است، دارد. نتایج تحقیق کاکاوند (۱۴۰۱) گویای آن است که میان گرایش به هویت ملی و ابعاد آن با میزان احساس امنیت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. مطالعات نیازی و نوری (۱۴۰۱) درباره بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرائم بدین نتیجه دست یافتند که هویت ملی به شکل غیرمستقیم نقش بسزایی در کاهش



جرائم زیست محیطی دارد. اصلانی و همکاران (۱۳۹۴) طی تحقیقی با بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان شهر بانه به قاچاق کالا، نشان دادند که بافت فرهنگی و اقتصادی شهر بانه حاکی از وجود رابطه معنی دار بین عوامل اجتماعی و گرایش به قاچاق کالا است. یافته‌های پژوهش عشایری و جهان‌پور (۱۴۰۱) گویای آن بود که ادراک بی‌نظمی و آشفتگی ناشی از فقدان قانون در جامعه و نیز بسط آنومی اخلاقی در جامعه ارتباط مستقیم با ترس از جرم دارد. قاسمی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی درباره اثرگذاری آنومی و زیست‌بوم جنایی بر جرائم خیابانی شهرستان اهواز از سال ۸۸ تا ۹۳ بدین نتیجه دست یافتند که ارتباط معناداری میان آنومی و بی‌هنجاری اجتماعی در گرایش به جرم و نزاع‌های دسته‌جمعی وجود دارد. در این حیطه، عرب‌پور و مهدی‌زاده (۱۳۹۹) در قالب یک مطالعه به روش فراتحلیل به ارزیابی پژوهش‌های مرتبط به نظم و انسجام اجتماعی در ایران پرداخته و نشان داده‌اند که همبستگی و انسجام اجتماعی نقش مؤثری بر تقویت امنیت و کاهش میزان جرائم و نیز پیشگیری از جرم دارد. همچنین یافته‌های مطالعه میرزاخانی و درویشی (۱۳۹۳) نیز حکایت از این داشت که ابعاد پنج‌گانه انسجام اجتماعی نقش مؤثری در پیشگیری اجتماعی از جرم دارد. نوربخش و نادری (۱۳۹۸) طی تحقیقی با تحلیل روابط دولت و جامعه و نقش آن در شکل‌گیری مسائل اجتماعی و وضعیت آنومیک در جامعه نشان دادند که اگر روابط دولت و ملت در همکاری با یکدیگر دچار بی‌ثباتی، ازهم‌گسیختگی و شکنندگی شود، بافت اجتماعی (جامعه) و قاعده‌مندی مدیریت سیاسی (دولت) با ضعف عملکردی مواجه خواهد بود و سرانجام باعث شکل‌گیری مسائل اجتماعی و رفتارهای آسیب‌زا می‌شوند. محمدی (۱۳۹۷) به‌واسطه تحلیل ریشه‌های دولت‌ستیزی ایرانیان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی بیان نموده است که هم دولت و هم ملت در کاهش و تشدید این اختلاف تأثیرگذارند و به هر میزان یک دولت در جهت منافع و اهداف ملت خود گام بردارد و اعتماد و خواست ملت خود را پیگیری نماید، این تضاد به حداقل ممکن کاهش پیدا می‌کند و از سطح جرم و جنایت در جامعه کاسته خواهد شد. یافته‌های تحقیق رحمت‌الهی و همکاران (۱۳۹۵) نیز گویای آن است که پدیداری و افزایش جرم معلول نحوه نگرش و عملکرد دولت در تقابل با مشارکت شهروندان است و مشارکت ناپذیری دولت به‌صورت کاهش سرمایه اجتماعی و انسانی نمود می‌یابد و حریم جامعه، حیات مدنی شهروندان و اخلاق عمومی را آسیب‌پذیر و دستخوش ناامنی و تهدید می‌کند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر «نقش عوامل اجتماعی جرم در گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان» با روشی خاص به بررسی ابعاد جدیدی از این موضوع می‌پردازد که در مطالعات پیشین



کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مطالعات گذشته بر روی جوامع خاص یا مناطق جغرافیایی دیگری غیر از منطقه جغرافیایی شهر کاشان تمرکز کرده‌اند. این پژوهش سعی دارد تا با استفاده از داده‌های متنوع و نمونه‌گیری در سطح گسترده‌تری، تصویری جامع‌تر از گرایش به جرم در بین جوانان دانشگاه کاشان ارائه دهد. بدین ترتیب، این پژوهش نه تنها به غنی‌تر شدن ادبیات علمی در زمینه عوامل اجتماعی جرم کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های پیشگیری از جرم و کاهش گرایش به آن به صورت مؤثر یاری رساند.

۴. روش‌شناسی

این تحقیق از منظر روشی در زمره پارادایم اثبات‌گرایی، مبتنی بر استراتژی قیاسی و چشم‌انداز کمی قرار گرفته که روش توصیفی-همبستگی با رویکرد زمانی مقطعی و با هدف کاربردی بهره‌برده و به‌طور ویژه از روش تحقیق پیمایشی در راستای بررسی تجربی «نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در بین جوانان» استفاده نموده است. جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه کاشان در سال ۱۴۰۱ بودند. در این تحقیق، حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار سمپل پاور^۹ و روش تحلیل رگرسیون^{۱۰} به تعداد ۵۲۰ نفر تعیین شده است. در این تحقیق، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم دانشکده‌های دانشگاه کاشان بهره گرفته شده است. منابع تحقیق اسنادی در این تحقیق شامل کتب، مقالات و طرح‌های دانشگاهی و غیردانشگاهی مرتبط به موضوع تحقیق بوده است. در عین حال، به‌منظور گردآوری داده‌های تجربی تحقیق، از روش میدانی و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسش‌نامه مورد استفاده در این تحقیق محقق ساخته بوده و گویه‌ها به صورت بسته ارائه شده است. در این پژوهش به‌منظور تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها از نرم‌افزار SPSS23 for windows بهره گرفته شده است و داده‌های کمی گردآوری شده به دو شکل توصیفی و استنباطی و با بهره‌گیری از آماره‌ها و آزمون‌های مقتضی، مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در این پژوهش، ۱. اعتبار مقیاس‌های به‌کارگرفته شده به دو صورت برآورد شده است: تعیین اعتبار صوری: بر این اساس، محقق برای تعیین اعتبار ابزار پژوهش از نظرات اساتید راهنما، مشاور و چند نفر از خبرگان دیگر در حوزه جامعه‌شناسی و حقوق پیرامون گرایش به ارتکاب جرم و سایر مقیاس‌های مرتبط استفاده نموده است. تضمین اعتبار محتوایی: در این مرحله محتوای مورد نظر برای هر متغیر از نظر تعریف نظری و مفهومی آن‌ها معین شد. ۲. نمونه‌ای از تمامی حوزه‌های تعریف در نظر گرفته شد. ۳. بر مبنای محتوای تعیین شده و حوزه‌های تعریف، گویه‌های مقتضی طراحی شده تا همه اجزای تعریف را به هم متصل کند. به‌منظور تعیین پایایی مقیاس‌های مورد



بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در...، سعید قماش و نسرین قدمی

استفاده از روش تعیین ثبات درونی گویه‌ها با به‌کارگیری آلفای کرونباخ^{۱۱} بهره گرفته شده است. در این پژوهش به‌منظور تعیین پایایی، قبل از توزیع کلان مقیاس پرسش‌نامه‌ها نمونه ۲۰ نفری مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس مقادیر پایایی آلفای کرونباخ، تمامی متغیرهای مستقل تحقیق واجد پایایی بالاتر از حد مطلوب هستند. متغیر وابسته تحقیق یعنی گرایش به ارتکاب جرم نیز از مقدار پایایی ۰/۶۵ برخوردار بوده که نسبتاً پایا محسوب می‌شود.

۵. یافته‌ها

در این بخش، توصیف و تبیین داده‌های جمع‌آوری شده از حوزه تحقیق و آزمون فرضیه‌های تحقیق ارائه گردیده است.

۵-۱. توصیف داده‌ها

الف) مشخصات فردی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ۴۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان مؤنث و ۵۲/۵ درصد مذکر هستند. همچنین، وضعیت سنی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد کمینه سنی حجم نمونه مورد بررسی ۱۸ سال، بیشینه سنی ۵۰ سال و دامنه تغییر سنی آن‌ها ۳۲ سال است. افزون بر این، ارزیابی یافته‌های آماری مرتبط با متغیر وضعیت تأهل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۸۸/۳ درصد از آن‌ها مجرد و ۱۱/۷ درصد متأهل هستند. وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان نیز نشان می‌دهد که ۵۲/۱ درصد آن‌ها در مقطع کارشناسی، ۳۳/۷ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۴/۲ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند. همچنین، وضعیت بومی بودن پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۳/۷ درصد بومی و ۷۶/۳ درصد غیربومی هستند؛ و در پایان، ارزیابی یافته‌های آماری مرتبط با متغیر وضعیت اشتغال پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که ۲۲/۹ درصد از آن‌ها شاغل و ۷۷/۱ درصد غیرشاغل یا بیکار هستند.

ب) متغیر وابسته: در این پژوهش «گرایش به جرم» متغیر اصلی محسوب می‌شود. به‌منظور سنجش گرایش به ارتکاب جرم، از مقیاس محقق ساخته بهره گرفته شده است که دربرگیرنده ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت^{۱۲} سه‌گزینه‌ای (مخالفم، تاحدودی و موافقم) است. حد کمینه مقیاس گرایش به ارتکاب جرم ۱۵ و حد بیشینه آن ۴۵ بوده و به هر اندازه نمره افراد در این طیف بالاتر باشد، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آنان بیشتر است.

ج) متغیرهای مستقل: در این پژوهش متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، پابندی به قانون، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تفاهم اجتماعی دولت-



ملت و اعتماد نهادی. در جدول زیر توزیع پراکندگی و توزیع طبقاتی این متغیرها نشان داده شده است.

جدول ۱: توزیع پراکندگی و طبقاتی گرایش به جرم

شاخص	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	موارد	فراوانی	درصد
گرایش به جرم	۱۵	۱۶	۳۷	۲۱	۲۲/۴۲	۴/۱۰	کم	۳۷۷	۷۲.۵
							متوسط	۱۴۰	۲۶/۹
							زیاد	۳	۰/۶
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
امنیت اجتماعی	۲۴	۲۵	۶۷	۴۲	۴۴/۲۱	۸/۷۶	کم	۱۶۳	۳۱/۳
							متوسط	۲۸۱	۵۵/۴
							زیاد	۶۹	۱۳/۳
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
هویت ملی	۱۰	۱۰	۳۰	۲۰	۲۴/۷۷	۴/۵۴	کم	۳۱	۶
							متوسط	۱۶۹	۳۲/۵
							زیاد	۳۲۰	۶۱/۵
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
تعلق اجتماعی	۷	۷	۲۱	۲۴	۱۳/۴۷	۳/۲۴	کم	۱۴۲	۲۷/۳
							متوسط	۲۷۵	۵۲/۹
							زیاد	۱۰۳	۱۹/۸
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
پایبندی به قانون	۱۱	۱۱	۳۳	۲۲	۲۴/۹۷	۴/۵۱	کم	۵۲	۱۰
							متوسط	۲۲۲	۴۲/۷
							زیاد	۲۴۶	۴۷/۳
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
مشارکت سیاسی	۵	۴	۱۵	۱۱	۸/۶۲	۲/۳۸	کم	۲۷۸	۵۳/۵
							متوسط	۱۷۸	۳۴/۲
							زیاد	۶۴	۱۲/۳



متغیر شاخص	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	دامنه تغییر	میانگین	انحراف معیار	موارد	فراوانی	درصد
انسجام اجتماعی	۱۵	۱۸	۴۴	۲۶	۲۸/۶۴	۴/۸۵	جمع	۵۲۰	۱۰۰
							کم	۱۰۵	۲۰/۲
							متوسط	۳۶۸	۷۰/۸
							زیاد	۴۷	۹
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
تفاهم اجتماعی دولت - ملت	۹	۹	۲۵	۱۶	۱۲/۹۵	۴/۰۴	کم	۲۸۴	۵۴/۶
							متوسط	۱۴۷	۲۸/۳
							زیاد	۸۹	۱۷/۱
							جمع	۵۲۰	۱۰۰
اعتماد نهادی	۸	۸	۲۴	۱۶	۱۲/۶۵	۳/۴۹	کم	۳۱۹	۶۱/۳
							متوسط	۱۷۸	۳۴/۲
							زیاد	۲۳	۴/۴
							جمع	۵۲۰	۱۰۰

در بخش توصیفی، مشخص گردید: ۱. میزان گرایش به جرم در بین پاسخ‌گویان در حد پایین قرار دارد، زیرا اکثریت ۷۲/۵ درصد آن‌ها گرایش به جرم پایینی دارند؛ ۲. میزان امنیت اجتماعی در بین پاسخ‌گویان در حد متوسط به پایین ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۵۵/۴ درصدی آن‌ها امنیت اجتماعی را در سطح متوسط ارزیابی نمودند؛ ۳. میزان هویت ملی پاسخ‌گویان در حد بالا و قوی ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۶۱/۵ درصدی آن‌ها از هویت ملی بالا و مطلوب برخوردارند؛ ۴. میزان تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان در حد متوسط ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۵۲/۹ درصدی آن‌ها از تعلق اجتماعی بالایی برخوردارند؛ ۵. میزان پایبندی به قانون نزد پاسخ‌گویان در حد بالا و متوسط به بالا ارزیابی می‌شود، زیرا یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان پایبندی به قانون ۴۷/۳ درصد آن‌ها در حد زیاد و ۴۲/۷ درصد آن‌ها در حد متوسط است؛ ۶. میزان مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان در حد پایین ارزیابی می‌شود، زیرا اکثریت ۵۳/۵ درصدی آن‌ها مشارکت سیاسی ضعیفی دارند؛ ۷. میزان انسجام اجتماعی در جامعه مورد بررسی در سطح متوسط ارزیابی می‌گردد، زیرا اکثریت ۷۰/۸ درصدی آن‌ها انسجام اجتماعی را در حد متوسط ارزیابی نمودند؛ ۸. میزان اعتماد نهادی



پاسخ‌گویان در حد پایین و ضعیف ارزیابی می‌گردد، زیرا اکثریت ۳/۶۱ درصدی آن‌ها اعتماد نهادی ضعیفی دارند؛ ۹. میزان تفاهم اجتماعی دولت-ملت در حد پایین و مایل به حدود متوسط است، زیرا بررسی طبقاتی متغیر تفاهم اجتماعی دولت-ملت حاکی از این است که میزان این تفاهم از پاسخ‌گویان در ۵۴/۶ درصد از موارد در حد پایین و کم است. همچنین میزان این تفاهم در ۲۸/۳ درصد از موارد در سطح متوسط و در ۱۷/۱ درصد موارد در سطح بالاست.

۲-۵. یافته‌های تحلیلی

در این قسمت از پژوهش، در راستای ارزیابی فرضیه‌ها و ارتباط آن‌ها با گرایش به ارتکاب جرم، از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن^{۱۳} و نیز جدول تقاطعی رابطه میان این متغیرها بهره گرفته شده که نتایج حاصل از اجرای این آزمون، در جدول زیر ارائه شده است. به دیگر سخن، رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نشان داده می‌شود.

ضریب همبستگی اسپیرمن		امنیت اجتماعی	گرایش به ارتکاب جرم	ضریب همبستگی اسپیرمن		هویت ملی	گرایش به ارتکاب جرم
امنیت اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.162^{**}$	هویت ملی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.436^{**}$
	سطح معنی‌داری		$\text{Sig} = 0.001$		سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.001$
ضریب همبستگی اسپیرمن		تعلق اجتماعی	گرایش به ارتکاب جرم	ضریب همبستگی اسپیرمن		پابندی به قانون	گرایش به ارتکاب جرم
تعلق اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.220^{**}$	پابندی به قانون	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.487^{**}$
	سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.001$		سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.001$
ضریب همبستگی اسپیرمن		مشارکت سیاسی	گرایش به ارتکاب جرم	ضریب همبستگی اسپیرمن		انسجام اجتماعی	گرایش به ارتکاب جرم
مشارکت سیاسی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.006^{**}$	انسجام اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.136^{**}$
	سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.900$		سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.002$
ضریب همبستگی اسپیرمن		تفاهم اجتماعی	گرایش به ارتکاب جرم	ضریب همبستگی اسپیرمن		اعتماد نهادی	گرایش به ارتکاب جرم
تفاهم اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.196^{**}$	اعتماد نهادی	ضریب همبستگی	۱	$r = -0.247^{**}$
	سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.001$		سطح معنی‌داری		$\text{sig} = 0.001$



توجه به جدول فوق، در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/162$, $\text{sig.}=0/001$). بر این اساس، به هر اندازه بر میزان امنیت اجتماعی در بین پاسخ‌گویان افزوده شود و ادراک آن‌ها از امنیت اجتماعی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته در سطح $0/01$ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم در حد ضعیف ($-0/162$) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/436$, $\text{sig.}=0/001$). بر این اساس، به هر اندازه بر شدت برخورداری پاسخ‌گویان از هویت ملی و عناصر و نشانه‌های آن افزوده گردد و ادراک آن‌ها از هویت ملی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته در سطح $0/01$ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به بالا ($-0/436$) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/220$, $\text{sig.}=0/001$). بر این اساس، به هر اندازه سطوح تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان به محله خود افزایش پیدا کند و تمایل بیشتری به مشارکت در امور محلی خود داشته باشند، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته در سطح $0/01$ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به پایین ($-0/220$) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط پایبندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان پایبندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/487$, $\text{sig.}=0/001$). بر این اساس، به هر اندازه بر میزان پایبندی به قانون در بین پاسخ‌گویان افزوده گردد و میل به زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی در آن‌ها کمتر شود، میزان گرایش به ارتکاب

جرم نیز در بین آن‌ها کمتر خواهد شد. این یافته در سطح $0/01$ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان پابندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به بالا ($0/487$) محسوب می‌شود. در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای نبود رابطه معنادار میان مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/006$, $sig.=0/900$). بر این اساس، شواهد آماری نشان می‌دهند که مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان تأثیر بر گرایش پایین یا بالا به ارتکاب جرم در بین آن‌ها ندارد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/136$, $sig.=0/002$). بر این اساس، به هر اندازه میزان انسجام اجتماعی نزد پاسخ‌گویان و در ارتباط با جامعه افزایش پیدا کند و ادراک آن‌ها از وجود انسجام در بین مردم و شهروندان بهبود یابد، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته در سطح $0/01$ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم در حد ضعیف ($-0/136$) قلمداد می‌گردد.

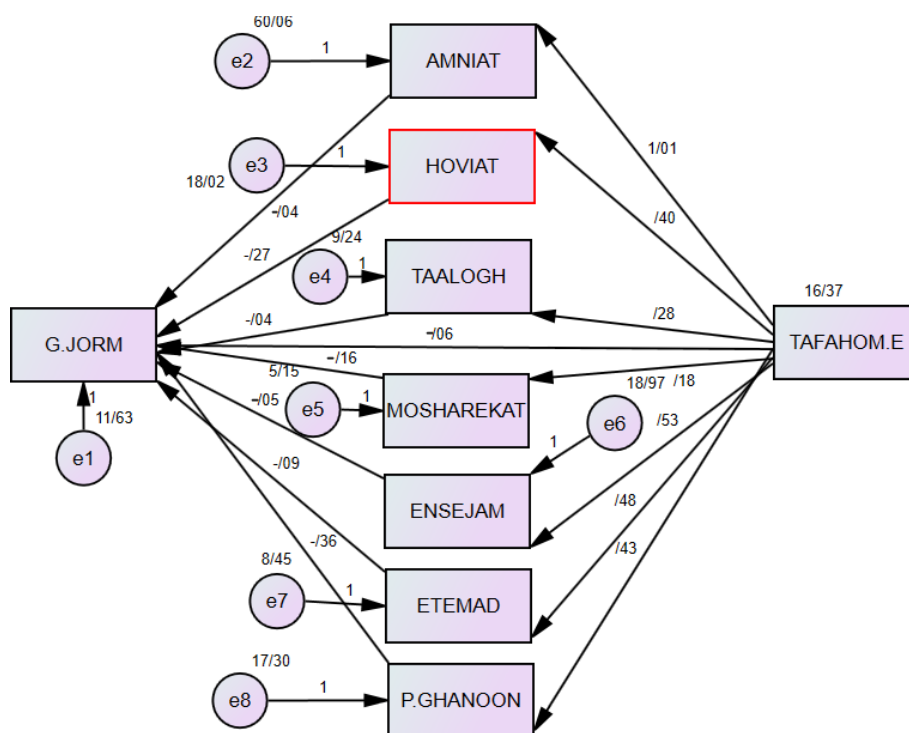
در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط تفاهم اجتماعی دولت و ملت و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان تفاهم اجتماعی دولت و ملت و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/196$, $sig.=0/001$). بر این اساس، به هر اندازه میزان تفاهم اجتماعی دولت و ملت در جامعه افزایش پیدا کند و بین مردم و مسئولین تفاهم و درک متقابل حاکم شود، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. این یافته در سطح $0/01$ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان تفاهم اجتماعی دولت و ملت و گرایش به ارتکاب جرم در حد پایین ($-0/196$) قلمداد می‌گردد.

در راستای ارزیابی آماری فرضیه ارتباط اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم، از آماره ضریب همبستگی اسپیرمن و نیز جدول تقاطعی همسو با آن استفاده شد. نتایج حاصل از اجرای این آزمون گویای وجود رابطه منفی و معکوس میان اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم بود ($r=-0/247$, $sig.=0/001$). بر این اساس، به هر اندازه بر میزان اعتماد نهادی پاسخ‌گویان، یعنی

اعتماد به نهادهایی چون آموزش و پرورش، سازمان‌های خدماتی، بیمارستانی، نیروهای انتظامی، صداوسیما و سایر سازمان‌ها و ارگان‌های کشور افزوده گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته در سطح ۰/۰۱ درصد معنی‌دار بوده و همبستگی میان اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم در حد متوسط به پایین (۰/۲۴۷-) قلمداد می‌گردد.

۶. تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم

به‌منظور بررسی مدل نظری پژوهش، از مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار آموس^{۱۴} استفاده شده است. در این مطالعه، متغیر گرایش به جرم به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای امنیت اجتماعی، هویت ملی، تعلق اجتماعی، مشارکت سیاسی، انسجام اجتماعی، تفاهم اجتماعی دولت-ملت و اعتماد نهادی به‌عنوان متغیر مستقل انتخاب شده‌اند. روابط ترسیم‌شده نشانگر آن است که روابط بین متغیرها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم است. پس از ورود داده‌ها و تحلیل آماری مربوط، مدل زیر مورد تأیید قرار گرفته است.



شکل ۱: مدل تحلیل مسیر عوامل تبیین‌کننده گرایش به جرم (در حالت استاندارد)

جدول ۲: نتایج تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم

مستقل	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل
		$(0/47) \times (0/08) = 0/03$	
تفاهم اجتماعی دولت و ملت	-0/07	$(0/35) \times (0/30) = 0/10$	-0/31
	غیرمعنادار	$(0/30) \times (0/10) = 0/03$	
		$(0/39) \times (0/41) = 0/15$	
امنیت اجتماعی	-0/08	-	-0/08
هویت ملی	-0/30	-	-0/30
مشارکت سیاسی	-0/10	-	-0/10
پایبندی به قانون	-0/41	-	-0/41

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، درمجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، میزان تأثیر کل متغیر تفاهم اجتماعی دولت و ملت بر گرایش به ارتکاب جرم برابر $-0/31$ است که در حد متوسط به پایین محسوب می‌گردد. درعین‌حال، پایبندی به قانون، هویت ملی، مشارکت سیاسی و امنیت اجتماعی به ترتیب دارای آثار $-0/41$ ، $-0/30$ ، $-0/10$ و $-0/08$ بر گرایش به ارتکاب جرم هستند که در این بین، میزان اثرگذاری پایبندی به قانون بر گرایش به ارتکاب جرم در قیاس با سایر متغیرها بالاتر محسوب می‌گردد. درنهایت، در جدول ۳ نتایج بررسی تناسب و برازش مدل تحقیق ارائه شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
نسبت کای‌دو به درجه آزادی	χ^2/df	۱.۵۶	< 3	مطلوب
شاخص نیکویی برازش	GFI	0/90	$> 0/90$	مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	AGFI	0/91	$> 0/90$	مطلوب
شاخص برازش هنجارشده	NFI	0/91	$> 0/90$	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی	CFI	0/92	$> 0/90$	مطلوب
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	0/071	$< 0/08$	مطلوب

با توجه به شاخص‌های برازش مدل، مقدار کای‌دو نسبی محاسبه‌شده $1/56$ است. وجود کای‌دو نسبی کوچک‌تر از ۳ مطلوب است. همچنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد



(RMSEA) نیز باید کمتر از ۰/۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۷۱ است. میزان شاخص‌های نکویی برازش GFI و $AGFI$ و CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۰ و ۰/۹۱ و ۰/۹۱ و ۲ است؛ لذا با توجه به شاخص‌های برازش می‌توان گفت داده‌های جمع‌آوری شده توانسته‌اند مدل مفهومی را مورد حمایت قرار دهند؛ لذا مدل تحقیق از برازش برخوردار است.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق و نتایج فعالیت‌های آماری مربوط، وجود رابطه و همبستگی معنادار بین متغیرها را مورد تأیید قرار داده است. نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه امنیت اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم نشان داد که به هر اندازه بر میزان امنیت اجتماعی دانشجویان افزوده گردد و ادراک آن‌ها از امنیت اجتماعی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته همسو با مطالعه هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸) و تصدیق‌کننده مبانی نظری مطرح در نظریه‌های سلسله‌مراتب نیازهای مازلو است. بدین ترتیب، عدم ارضای نیازها در ابعاد مختلف و در سطوح گوناگون آن منجر به افزایش گرایش به جرم و نقض قوانین می‌گردد. از این لحاظ، بسط امنیت اجتماعی لازمه تنزل گرایش به جرم محسوب می‌گردد. درعین حال، روابط منفی و معکوس میان امنیت اجتماعی و گرایش به جرم، تصدیق‌کننده اصول و رئوس نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو است. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه هویت ملی و گرایش به ارتکاب جرم گویای آن بود که به هر اندازه بر شدت برخورداری پاسخ‌گویان از هویت ملی و عناصر و نشانه‌های آن افزوده شود و ادراک آن‌ها از هویت ملی مثبت گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم کاسته می‌شود. این یافته همسو با نتایج تحقیقات قایدگیوی و همکاران (۱۳۹۷) و نیازی و نوری (۱۴۰۱) بر اثرگذاری هویت ملی بر کاهش میل به اشکال مختلف جرم و ارتقای امنیت افراد صحنه گذاشته‌اند. افزون بر این، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه تعلق اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم نشان داد که به هر اندازه سطوح تعلق اجتماعی پاسخ‌گویان به محله خود افزایش پیدا کند و تمایل بیشتری به مشارکت در امور محلی خود داشته باشند، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. این یافته همسو با نتایج تحقیق اصلانی و همکاران (۱۳۹۴)، تصدیق‌کننده نظریه تعلق و پیوند اجتماعی هیرشی است. علاوه بر این، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه پابندی به قانون و گرایش به ارتکاب جرم نشان داد که ارتباط منفی و معکوسی میان این دو متغیر وجود دارد، به‌طوری‌که به هر اندازه بر میزان پابندی به قانون



در بین پاسخ‌گویان افزوده شود و میل به زیر پا گذاشتن قوانین اجتماعی در آن‌ها کمتر شود، میزان گرایش به ارتکاب جرم نیز در بین آن‌ها کمتر خواهد گردید. یافته‌های حاصل از این فرضیه، تصدیق‌کننده نتایج تحقیق قاسمی مقدم و همکاران (۱۳۹۴) و نیز همسو با مبانی نظری مطرح در رویکردهای آنومی دورکیم و فشار ساختاری مرتون است. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم گویای آن بود که رابطه معناداری میان مشارکت سیاسی و گرایش به ارتکاب جرم وجود ندارد. این یافته برخلاف مبانی مطرح در نظریه اثربخشی سیاسی است. همچنین، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه انسجام اجتماعی و گرایش به ارتکاب جرم نیز نشان داد که انسجام اجتماعی اثرگذاری منفی و معکوسی بر گرایش به جرم داشته، به‌طوری‌که به هر اندازه میزان انسجام اجتماعی نزد پاسخ‌گویان و در ارتباط با جامعه افزایش پیدا کند و ادراک آن‌ها از وجود انسجام در بین مردم و شهروندان بهبود یابد، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش می‌یابد. این یافته همسو با نتایج مطالعات عرب‌پور و مهدی‌زاده (۱۳۹۹)، میرزاخانی و درویشی (۱۳۹۳) و نظریه‌های همبستگی اجتماعی دورکیم، نظریه دموکراسی اجتماعی و... است. اضافه بر موارد قبل، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه اعتماد نهادی و گرایش به ارتکاب جرم نیز گویای آن بود که اعتماد نهادی ارتباط منفی و معکوسی با گرایش به ارتکاب جرم دارد، به‌صورتی‌که به هر اندازه بر میزان اعتماد نهادی پاسخ‌گویان، یعنی اعتماد به نهادهایی چون آموزش و پرورش، سازمان‌های خدماتی، بیمارستانی، نیروهای انتظامی، صداوسیما و سایر سازمان‌ها و ارگان‌های کشور افزوده گردد، از میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاسته می‌شود. افزون بر این، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در مورد رابطه تفاهم اجتماعی دولت-ملت و گرایش به ارتکاب جرم نیز نشان داد که به هر اندازه میزان تفاهم اجتماعی دولت و ملت در جامعه افزایش پیدا کند و بین مردم و مسئولین تفاهم و درک متقابل حاکم شود، میزان گرایش به ارتکاب جرم نزد آن‌ها کاهش پیدا می‌کند. درعین‌حال، تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر گرایش به جرم نیز نشان داد که هرچند تفاهم اجتماعی دولت و ملت به‌صورت مستقیم واجد اثر معناداری بر گرایش به جرم نیست، به شکل غیرمستقیم تأثیر ۰/۳۱- درصدی بر گرایش به جرم دارد. به عبارتی دیگر، در سایه تفاهم اجتماعی بین دولت و ملت، امنیت اجتماعی در جامعه ارتقا یافته، سطح هویت ملی و تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر گردیده، بر میزان مشارکت آن‌ها در جامعه افزوده شده و سطح انسجام و اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش پیدا می‌کند و درعین‌حال، تفاهم بیشتر دولت و ملت، پابندی به قانون را در جامعه جاری می‌سازد. این مسئله به



بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در...، سعید قماش و نسرین قدمی

نوبه خود، بسترهای کاهش گرایش به جرم و نگرش منفی درباره بی قانونی و آنومی را در جامعه فراهم می‌سازد. این یافته تصدیق‌کننده مبانی مندرج در نظریه صلاح‌طلبی و نظریه تفهمی وبر و همسو با نتایج تحقیقات نوربخش و نادری (۱۳۹۸)، محمدی (۱۳۹۷)، آبسالان (۱۳۹۵) و رحمت‌الهی و همکاران (۱۳۹۵) است.

با توجه به یافته‌های حاصل از این تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- تقویت ارزش‌ها و هنجارهای معنوی و اخلاقی حاکم بر جامعه و برنامه‌ریزی به‌منظور نهادینه‌سازی این اصول اخلاقی در نهاد کنشگران در جهت تقویت کنترل درونی افراد.
- با توجه به نقش مشارکت و درگیرسازی اجتماعی افراد در کاهش گرایش به جرم، دخیل‌سازی سازمان‌های مردم‌نهاد و بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌محور و مشارکت‌بخش در راستای پیشگیری از جرم به‌خصوص نزد جوانان از اهمیت زیادی برخوردار است.
- با توجه به نقش اعتماد نهادی در کاهش گرایش به جرم، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:
- تقویت پایه‌ها و شاخص‌های اعتماد نهادی و میان‌گروهی در میان شهروندان نظیر بهبود کارکرد سازمان‌ها و نهادهای دولتی در راستای بهره‌گیری از ظرفیت آنان به‌منظور حذف و کاهش بسترهای گرایش به جرم با بهره‌گیری از تعاملات دوسویه از مسیر نهادهای مسئول در کنترل و تنزل جرائم.
- توافق اجتماعی و مشارکت مردمی برای دستیابی به راه‌حل‌های بهینه حل مسائل مورد مناقشه و بهره‌گیری از دانش محلی و ارتقای آگاهی و توجه به منابع محلی در کاهش سطوح و شدت نارضایتی‌ها به‌منظور ارتقای سطح تفاهم اجتماعی دولت و ملت و کاهش میل به حل و فصل نارضایتی‌ها و تعارضات موجود در جامعه از مسیرهای غیرقانونی و جرم‌افزا.
- مدیریت تصویر و تصورات نامطلوب و مخدوش شکل‌گرفته از دولت و نظام حکومتی در برخورد با مسائل شهروندی به‌منظور ارتقای روابط، همکاری و همدلی بیشتر میان دولت و ملت.
- ترمیم کیفیت قوانین و مقررات داخلی در راستای پرهیز از شخصی‌نگری و اعمال تصمیمات شخصی، وجود قوانین شفاف و خالی از ابهام، تنزل قواعد تفسیرپذیر و گهگاه متناقض در حل مسائل اجتماعی در جهت بهبود هرچه بیشتر اعتماد نهادی در جامعه.



پی‌نوشت‌ها

1. Tamas & Zananaki
2. Weber
3. Caesar
4. Attachment
5. Commitment
6. Involvement
7. Belief
8. Davao Oriental, Philippines
9. Power sample
10. Regression
11. Cronbach's alpha
12. Likert scale
13. Spearman
14. Amos

منابع

- آبسلان، زینب. (۱۳۹۵). ملت و دولت، هم‌مدلی و هم‌زیانی از دیدگاه امام علی (ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی میبد.
- اصلائی، عابد، دیندارلو، سعید، و اصلائی، امید. (۱۳۹۴). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنیسان بانه‌ای به قاچاق کالا زمینه‌ها و راهکارها. مجله/انتظام اجتماعی، ۷ (۲)، ۳۳-۵۶.
- ترکمان، مهدی، پورغلامی، محمدرضا، و مرادی سیاه‌سر، غلامرضا. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر گرایش جوانان پسر شهرستان کرج در خرده‌فرهنگ. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۷۶-۲۰۳.
- حجرگشت، حامد، موسوی‌پناه، سید مسلم، رضایی، صادق، و امینی، ایمان. (۱۴۰۰). عوامل اجتماعی گرایش جوانان به جرم سرقت؛ مورد مطالعه: سارقان محصور در زندان‌های استان تهران و البرز. فصلنامه رهیافت پیشگیری از جرم، ۴ (۳)، ۹۱-۱۱۸.
- حسین‌زاده، علی حسین، بوداقتی، علی، و خمیسی، امل. (۱۴۰۰ الف). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر انواع سرمایه بر گرایش به ارتکاب جرم؛ مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اهواز. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۶ (۱)، ۲۵-۵۸.
- حسین‌زاده، علی حسین، بوداقتی، علی، و خمیسی، امل. (۱۴۰۰ ب). تعیین‌گرهای اجتماعی و روان‌شناختی گرایش به ارتکاب جرم؛ مورد مطالعه: جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر اهواز. مجله جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۹ (۱۹)، ۷-۳۴.
- رحمت‌الهی، حسین، آقا محمد آقایی، احسان، و بالوی، مهدی. (۱۳۹۵). کاهش سرمایه اجتماعی؛



بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به ارتکاب جرم در...، سعید قماش و نسرين قدمی

10.22052/KASHAN.2025.256252.1135

- دولت و مشارکت مردم. مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، شماره ۳، ۴۶۱.
- سامدی، علی محمد، هاشمی، سید محمد، و عابدی، یونس. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر گرایش جوانان به جرم. فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی، ۸ (۳)، ۷۳-۹۲.
- سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۹۱). جامعه شناسی مجروری. چ ۵. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- عارفی مسکونی، محمد، نجفی توانا، علی، و شاملو، باقر. (۱۳۹۹). بررسی چرایی عدم کارایی مجازات های سنگین ایران در مبارزه با مواد مخدر. دوفصلنامه پژوهش نامه حقوق اسلامی، ۲۱ (۲)، ۴۳۹-۴۶۰.
- عباسی، ابراهیم و یوسفی ثابت، حسین. (۱۳۹۸). واکاوی تعامل دموکراسی اجتماعی، سبک زندگی و مشروعیت سیاسی در چشم انداز نظری. فصلنامه مطالعات منافع ملی، ۵ (۱۸)، ۵۱-۷۲.
- عرب پور، الهام و مهدی زاده، شراره. (۱۳۹۹). فراتحلیل مطالعات نظم و انسجام اجتماعی در ایران. مجله پژوهش های جامعه شناسی معاصر، ۹ (۱۷)، ۷۳-۱۱۳.
- عشایری، طاها و جهان پور، طاهره. (۱۴۰۱). نگرشی جامعه شناسی به منابع ترس از جرم، مورد مطالعه: شهر اردبیل. دوفصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی، ۶ (۱۱)، ۷۵-۹۶.
- فرانک پی، ویلیامز و مار لی دین، مک شین. (۱۳۹۱). نظریه های جرم شناسی. ترجمه حمیدرضا ملک محمدی. چ ۴. تهران: نشر میزان.
- فقیه، سیده فاطمه. (۱۳۸۸). روش شناسی ماکس وبر. مجله فرهنگ پژوهش، شماره ۴، ۸۷-۱۰۶.
- قاسمی مقدم، حسن، حسین جانی، بهمن، و خداکرمی، فؤاد. (۱۳۹۴). تأثیر آنومی و زیست بوم جنایی بر جرائم خیابانی شهرستان اهواز از سال ۸۸ تا ۹۳. فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۶، ۱۰۳-۱۲۸.
- قایدگیوی، فرود، حقیقتیان، منصور، و شاپور، بهیان. (۱۳۹۸). تحلیل رابطه هویت ملی و پایبندی به فرهنگ شهروندی، مورد مطالعه: کلانشهر شیراز. نشریه مطالعات ملی، ۲۰ (۱)، ۷۹-۱۰۴.
- کاکاوند، یونس. (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و گرایش به هویت ملی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه، نشریه علوم اجتماعی، ۱۶ (۱).
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). نظریه اجتماعی کلاسیک، مقدمه ای بر اندیشه مارکس، وبر، دورکیم و زیمل. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.
- کونانی، سلمان، انصاری، جمال، و مندنی، اسلام. (۱۳۹۲). سیاست جنایی؛ از گفتن تا



- برخاست‌هایی ریزومیگ‌شده و ناروا. چ ۱. تهران: انتشارات مجد.
- متوسلی، محمود و زبیری، هدی. (۱۳۹۳). انسجام اجتماعی، منشأ توسعه اقتصادی. مجله توسعه روستایی، ۵ (۲)، ۴۹-۷۴.
- محمودی، صادق. (۱۳۹۷). تحلیل ریشه‌های دولت‌ستیزی ایرانیان از منظر جامعه‌شناسی سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته علوم سیاسی، گرایش علوم سیاسی، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی.
- میرزاخانی، عبدالرحمن و درویشی، صیاد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم. مجله مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸، ۵۹-۸۰.
- نگهی، مرجان و قریشوندی، حسین. (۱۳۹۹). گرایش به ارتکاب جرم در مراجعه‌کنندگان به قلیان سراها و قهوه‌خانه و ایجاد فرصت جرم؛ مطالعه موردی: شهرستان ایزده. مجله پژوهش حقوق کیفری، ۱۵ (۲)، ۲۷۱-۲۹۶.
- نوربخش، یونس و نادری، حمید. (۱۳۹۸). تحلیل روابط دولت و جامعه و نقش آن در شکل‌گیری مسائل اجتماعی و وضعیت آنومیک در جامعه. مجله مطالعات جامعه‌شناختی، ۲۷ (۱)، ۱۹۹-۲۲۲.
- نیازی، محسن و نوری، زهرا. (۱۴۰۱). ارائه مدل علی بررسی متغیرهای مؤثر بر ارتکاب به جرائم محیط زیستی؛ مورد مطالعه: شهر کاشان. نشریه محیط زیست و توسعه فرابخشی، ۷ (۷۸)، ۵۶-۷۰.
- وبر، ماکس. (۱۳۸۲). روش‌شناسی علوم اجتماعی. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: انتشارات مرکز. هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن، مطالعه در بین شهروندان تهرانی. نشریه انتظام اجتماعی، شماره ۳، ۷-۲۸.
- هیوز، ه. استوارت. (۱۳۶۹). آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. چ ۱. تهران: اندیشه‌های عصر نو.
- یحوی دیزج، جعفر، محمدزاده، یوسف، حکمتی، صمد، و یعقوبی، حسین. (۱۳۹۷). رابطه بین عوامل اقتصادی و اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی در کشورهای منتخب با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸ (۶۸)، ۱۶۸-۱۹۹.
- Anjanaen J. T. (2019). Maslow's Hierarchy of Needs - Theory of Human Motivation. *International Journal of Research in all Subjects in Multi Languages*, Vol. 7, 38-41.



- Costello, B. J., Laub, J. H. (2020). Social Control Theory: The Legacy of Travis Hirschi's Causes of Delinquency. *Annual Review of Criminology*, Vol. 3, 21- 41. <https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-011419-041527>.
- Cullen, F. T., & Wilcox, P. (2010). Encyclopedia of criminological theory. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. ISBN: 9781412959186..
- Grabb, E. G. (2022). Comparative history in sociological writings of Max Weber. *Journal of Sociological Theory*, Vol, 40, 1-20. <https://doi.org/10.1177/07352751221134614>
- Ferrel, G., Salvana, L. M. C., & Susada, B. L. (2024). Tendency to commit a crime among youth with broken family. *International Journal of Advance Research and Innovative Ideas in Education (IJARIIE)* Vol. 10, 460-467. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.11855.29607>.
- Crawford, M. Ann. (2014). Social Control Theory .*Affiliation: Walden University*. 1-6. <https://doi.org/10.13140/RG.2.1.2360.7847>.
- Özbay, Ö. & Özcan, Y. Zia. (2006). A Test of Hirschi's Social Bonding Theory Juvenile Delinquency in the High Schools of Ankara, Turkey. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminolog*. Vol. 50, 711 - 726. <https://doi.org/10.1177/0306624X07309182>.
- Zareen, B., Dhopeshwarkar, M. G., & Ambedka, B. (2018). Crime tendency among youth India. . *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research*, 5(11), 301 – 308 .ISSN-2349-5162. 301-308.
- Wiatrowski, M. D., Griswold, D. B., & Roberts, M. K. (1981). Social control theory and delinquency. *American Sociological Review*. Vol. 46, 525-541. <https://doi.org/10.2307/2094936>.

Resources

- Abbasi, E., & Yousefi Sabet, H. (2019). Exploring the interaction of social democracy, lifestyle, and political legitimacy in a theoretical perspective. *Quarterly of National Interests Studies*, 5(18), 51–72. (in Persian).
- Abselan, Z. (2016). *Nation and state, empathy and mutual understanding from the perspective of Imam Ali (AS)* (Master's thesis, Faculty of Quranic Sciences, University of Quranic Sciences and Knowledge, Meybod). (in Persian).
- Anjanaen, J. T. (2019). Maslow's hierarchy of needs – Theory of human motivation. *International Journal of Research in all Subjects in Multi Languages*, 7, 38–41.
- Arabpour, E., & Mahdizadeh, S. (2020). Meta-analysis of studies on social order and cohesion in Iran. *Journal of Contemporary Sociological Studies*, 9(17), 73–113. <https://doi.org/10.22084/csr.2021.22113.1830> (in Persian).
- Arefi Maskooni, M., Najafi Tavana, A., & Shamloo, B. (2020). Investigating the inefficiency of severe punishments in Iran in combating drugs. *Journal of Islamic Law Studies*, 21(2), 439 – 460. <https://doi.org/10.30497/law.2020.15206.2827> (in Persian).

- Aslani, A., Dindarlo, S., & Aslani, O. (2015). Examining social factors affecting the tendency of border residents of Baneh toward smuggling: Contexts and solutions. *Journal of Social Order*, 7(2), 33–56. <https://doi.org/10.22034/cpaq.2021.246877> (in Persian).
- Costello, B. J., & Laub, J. H. (2020). Social control theory: The legacy of travis Hirschi's causes of delinquency. *Annual Review of Criminology*, 3, 21–41. <https://doi.org/10.1146/annurev-criminol-011419-041527>.
- Crabb, Y. (1998). *Classical social theory: An introduction to the thought of Marx, Weber, Durkheim, and Simmel* (Shahnaz Mosami-Parast, Trans.). Tehran: Agah. (Original work published 1997). (in Persian).
- Crawford, M. A. (2014). Social control theory. Walden University, 1–6. <https://doi.org/10.13140/RG.2.1.2360.7847>.
- Cullen, F. T., & Wilcox, P. (2010). *Encyclopedia of criminological theory*. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. ISBN: 9781412959186.
- Eshayeri, T., & Jahanpour, T. (2022). A sociological perspective on sources of fear of crime: A case study of Ardabil. *Biannual Journal of Cultural and Social Studies*, 6(11), 75–96. (in Persian).
- Faqih, S. F. (2009). Methodology of Max Weber. *Farhang-Pajouh Journal*, 4, 87–106. (in Persian).
- Ferrel, G., Salvana, L. M. C., & Susada, B. L. (2024). Tendency to commit a crime among youth with broken family. *International Journal of Advance Research and Innovative Ideas in Education (IJARIE)*, 10, 460–467. <https://doi.org/10.13140/RG.2.2.11855.29607>.
- Frank, P., Williams, & MacShane, M. L. (2012). Criminological theories (H. R. Malek-Mohammadi, Trans.). Tehran: Nashr-e Mizan. (Original work published 1984). (in Persian)
- Ghaedgivi, F., Haghighatian, M., & Shapour, B. (2019). Analysis of the relationship between national identity and adherence to civic culture: A case study of Shiraz metropolis. *Journal of National Studies*, 20(1), 79–104. (in Persian).
- Ghasemi-Moghadam, H., Hosseini, B., & Khodakarami, F. (2015). The impact of anomie and criminogenic ecosystem on street crimes in Ahvaz from 2009 to 2014. *Journal of Private and Criminal Law Research*, 26, 103–128. (in Persian).
- Grabb, E. G. (2022). Comparative history in sociological writings of Max Weber. *Journal of Sociological Theory*, 40, 1–20. <https://doi.org/10.1177/07352751221134614>.
- Hajargasht, H., Mousavi-Panah, S. M., Rezaei, S., & Amini, I. (2021). Social factors influencing youth tendency toward theft: A study of prisoners in Tehran and Alborz prisons. *Rahyaf Crime Prevention Quarterly*, 4(3), 91–118. <https://doi.org/10.22080/ssi.2022.22893.1954> (in Persian).



- Hezarjaribi, J., & Safari Shali, R. (2009). Life satisfaction and the role of perceived security: A study among Tehran citizens. *Journal of Social Order*, 3, 7–28. (in Persian).
- Hosseinzadeh, A. H., Bodaqi, A., & Khamisi, E. (2021a). Sociological investigation of the effect of various types of capital on tendency toward crime: A study of youth aged 18–29 in Ahvaz. *Journal of Social Development Quarterly*, 16(1), 25–58. <https://doi.org/10.22034/cpaq.2021.246877> (in Persian).
- Hosseinzadeh, A. H., Bodaqi, A., & Khamisi, E. (2021b). Social and psychological determinants of tendency toward crime: A study of youth aged 18–29 in Ahvaz. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 9(19), 7–34. <https://doi.org/10.22080/ssi.2022.22893.1954> (in Persian).
- Hughes, H. S. (1990). *Consciousness and society* (E. Fouladv and, Trans.). Tehran: Andisheh-ye Asr-e No. (Original work published 1958). (in Persian).
- Kakavand, Y. (2022). Examining the relationship between social capital and national identity tendency among citizens over 18 in Kermanshah. *Journal of Social Sciences*, 16(1). (in Persian).
- Konani, S., Ansari, J., & Mandani, E. (2013). *Criminal policy: From discourse to rhizomatic and inappropriate enactments*. Tehran: Majd Publications. (in Persian).
- Mirzakhani, A., & Darvishi, S. (2014). Examining the relationship between social cohesion and social crime prevention. *Journal of Social Security Studies*, 38, 59–80. (in Persian).
- Mohammadi, S. (2018). Analysis of the roots of Iranian anti-government sentiment from the perspective of political sociology (Master's thesis, Department of Political Science, Razi University, Faculty of Social Sciences). (in Persian).
- Motavaseli, M., & Zebiri, H. (2014). Social cohesion as the origin of economic development. *Rural Development Journal*, 5(2), 49–74. (in Persian).
- Negahi, M., & Gharishvandi, H. (2020). Tendency toward crime among visitors of hookah houses and coffeehouses and creation of crime opportunities: A case study of Izeh. *Journal of Criminal Law Research*, 15(2), 271–296. <https://doi.org/10.22124/jol.2020.16280.1899> (in Persian).
- Niazi, M., & Nouri, Z. (2022). Presenting a causal model to examine factors affecting environmental crimes: A case study of Kashan. *Journal of Environment and Interdisciplinary Development*, 7(78), 56–70. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.287097.1007> (in Persian).
- Noorbakhsh, Y., & Naderi, H. (2019). Analysis of state-society relations and its role in shaping social issues and anomic conditions. *Journal of Sociological Studies*, 27(1), 199–222. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.287097.1007> (in Persian).
- Özbay, Ö., & Özcan, Y. Z. (2006). A test of Hirschi's social bonding theory: Juvenile delinquency in the high schools of Ankara, Turkey. *International*



- Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 50, 711–726. <https://doi.org/10.1177/0306624X07309182>.
- Rahmatollahi, H., Agha Mohammad Aghaei, E., & Balavi, M. (2016). Social capital reduction: Government and public participation. *Journal of Social Capital Management*, 3, 461. <https://doi.org/10.22059/jscm.2016.60666> (in Persian).
- Salimi, A., & Davari, M. (2012). Sociology of deviance. Qom: Hozeh & Daneshgah Research Institute. (in Persian).
- Samadi, A. M., Hashemi, S. M., & Abedi, Y. (2013). Factors affecting youth tendency toward crime. *Quarterly of Informational and Criminal Research*, 8(3), 73–92. (in Persian)
- Torkaman, M., Pourghalami, M. R., & Moradi Siah-Sar, G. (2011). Factors affecting the tendency of male youth in Karaj to subcultures. *Quarterly of Social Security Studies*, 176–203. <https://doi.org/10.22055/qjsd.2021.17281> (in Persian).
- Weber, M. (2003). Methodology of social sciences (H. Chavoshian, Trans.). Tehran: Markaz Publications. (Original work published 1904). (in Persian).
- Wiatrowski, M. D., Griswold, D. B., & Roberts, M. K. (1981). Social control theory and delinquency. *American Sociological Review*, 46, 525–541. <https://doi.org/10.2307/2094936>.
- Yahyavi Dizaj, J., Mohammadzadeh, Y., Hekmati, S., & Yaghoubi, H. (2018). Relationship between economic and social factors and social harms in selected countries: A generalized method of moments approach. *Journal of Social Welfare*, 18(68), 168–199. (in Persian).
- Zareee, B., Dhopeswarkar, M. G., & Ambedka, B. (2018). Crime tendency among youth in India. *Journal of Emerging Technologies and Innovative Research (JETIR)*, 5, 301–308. ISSN-2349-5162.



Examining the Role of Social Factors Affecting the Tendency to Commit Crime among Youth (Case Study: Students of University of Kashan)

Saeed Qomashi

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Law and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author); Email: saeedqomashi@yahoo.com

Nasrin Ghadami

PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran. Email: nasringhadami3525@gmail.com

Received: 06/12/2024

Accepted: 11/02/2025

Extended Abstract

Introduction

Crime, as a social phenomenon occurring within the community, represents an actualized behavior. In this regard, “tendency toward crime” refers to a potential form of behavior that has not yet manifested or been actualized. This study aims to identify which social factors influence youth’s tendency towards committing crimes. To this end, it moves beyond mere descriptions and engages in a conceptual analysis to formulate possible explanations. Accordingly, “tendency” is defined as a system of the individual’s inclinations and beliefs in regard to environmental phenomena; this tendency which develops over time as a result of social influences and experiences can predict and explain social behavior. One such social behavior is committing crime by individuals across different age groups. Given that criminal behavior like any other behavior, requires a will or inclination to be actualized, this study specifically examines crimes and the factors influencing criminal tendencies among young students in the University of Kashan.

Materials and Methods

An examination of the contexts of social order vulnerability and official judicial statistics indicates the necessity for serious interventions. Accordingly, this study seeks to answer the overarching question: which social factors affect the tendency of young students to commit crimes? The main objective of this research is to investigate the relationship between the social cohesion of the state and nation, social security, national identity, social belonging, adherence to law, political participation, social cohesion, institutional trust, and the tendency to commit crimes among students. Methodologically, this research falls within the positivist paradigm, adopts a deductive strategy, and deploys a quantitative approach. It employs a descriptive-correlational method with a cross-sectional design and practical objectives, utilizing a survey-based approach. The statistical population consisted of students of the University of Kashan, with a sample size of 520 in 1401 (2022–2023). Data were collected through fieldwork using questionnaires. For both descriptive and inferential data analyses, SPSS 23 software was used.



Results

The research findings and the results of the corresponding statistical analyses confirmed the existence of significant relations and correlations among the variables. Moreover, Spearman's correlation coefficient regarding the relationship between adherence to law and the tendency to commit crime indicated a negative and inverse relation between these two variables; that is, the greater the respondents' adherence to the law, the lower their inclination to violate social rules and to commit crimes. Spearman's correlation coefficient regarding the relationship between social security and the tendency to commit crime also showed that as students' perception of social security was higher and more positive, their tendency to commit crime decreased. Similarly, the results regarding the relationship between national identity and the tendency to commit crime revealed that the higher the sense of national identity, the lower the respondents' tendency to commit crimes. Additionally, Spearman's correlation coefficient concerning the relationship between social belonging and the tendency to commit crime demonstrated that as respondents' levels of social attachment to their neighborhood and willingness to participate increased, their tendency to commit crime decreased. In contrast, the relations between political participation and the tendency to commit crime showed no significant relation, contrary to the assumptions of political efficacy theory. The correlation between institutional trust and the tendency to commit crime indicated a negative and inverse relationship; that is, the higher the respondents' trust in institutions—such as educational organizations, service organizations, hospitals, law enforcement, media, and other national institutions—the lower their tendency to commit crimes. Similarly, the relationship between state–society social understanding and the tendency to commit crime demonstrated that as social understanding between the government and the citizens increased and mutual understanding prevailed, the tendency to commit crime decreased.

Conclusion

Path analyses of factors affecting the tendency toward crime revealed that while state–society social understanding does not have a direct significant effect on criminal tendency, it exerts an indirect effect of 31% on crime inclination. In other words, through social understanding between the government and the citizens, social security in the community is enhanced, the sense of national identity and social belonging among citizens increases; their social participation rises, and social cohesion and trust are strengthened. At the same time, a greater government–citizen understanding fosters adherence to the law within society. Consequently, this provides a foundation for reducing youth's criminal tendencies and negative attitudes toward lawlessness and anomie. Overall, the negative and inverse relationships between the variables of state–society social understanding, social security, national identity, social belonging, adherence to the law, political participation, social cohesion, and institutional trust with the tendency to commit crime were quantified as follows: $r = -0.162$, $r = -0.436$, $r = -0.220$, $r = -0.487$, $r = -0.006$, $r = -0.136$, $r = -0.196$, and $r = -0.247$, respectively. Accordingly, attention to these components can help reduce the tendency toward crime among youth.

Keywords: crimes, social Factors, tendency to commit crimes, youth.